



سخنرانی در دیدار جمعی از پزشکان، پرستاران و کارکنان مراکز آموزش عالی و درمانی کشور - 15 / آذر / 1368

بسم الله الرحمن الرحيم

متقابلاً ولادت زینب کبری (س)، بانوی بزرگ تاریخ اسلام را به هم‌همی شما برادران و خواهران که از نقاط مختلف و دستگاه‌های گوناگون خدمتگزار به این‌جا تشریف آورده‌اید، تبریک و تهنیت عرض می‌کنم و به هم‌همی شما خوش‌آمد می‌گویم. جمع پرستاران و پزشکان و مددکاران و مجموعه‌ی خدمتگزاران به قشرهای ناتوان و بیمار، شایسته‌ی احترام و تجلیل از طرف مردم و مسؤولان هستند.

ما دوران دشوار جنگ را گذرانده‌ایم. در این دوران است که ارزش افراد و دستگاه‌های گوناگون مشخص می‌شود. امروز، بعد از گذراندن دوره‌ی سرشار از ابتلا و سختی و امتحان، می‌توانیم درباره‌ی مردم خودمان - به طور عموم - و همچنین درباره‌ی برخی از قشرهایی که مسؤولیت برجسته و ویژه‌ی داشته‌اند، قضاوت کنیم. پرستاران ما از این قبیلند؛ چون آنها با بیمار مواجهند و آنچه از آنها سر می‌زند، خدمت و محبت است و آنچه آنها با آن مواجهند، سختی و رنج است و این، یکی از امتحانهای بزرگ بنی‌آدم است که با سختی و رنج و درد مواجه شود و از خود صبر و متانت و محبت و خدمت نشان دهد.

به مناسبت روز ولادت زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) که در اوج قله‌ی شرف انسانی و ارزش یک فرد آدمی قرار گرفته است، جا دارد که ما روز پرستار را گرامی بداریم و به پرستاران - چه زن و چه مرد - به خاطر شغلشان و به خاطر امتحان سختی که در این شغل با آن مواجهند و به خاطر خدماتی که در طول دوران جنگ و پیش از آن و بعد از آن و در آینده نیز داشته‌اند و خواهند داشت، مورد ستایش قرار بدهیم و به آنها تهنیت بگوییم.

پزشکان نیز که از قشرهای حساس جامعه هستند و می‌توانند خدمتگزاران بزرگی باشند، جان انسانها و سلامتشان به دست آنهاست. در دوران جنگ، آزمایشهای خوبی دادند و برخی از پزشکان، شخصیت و کرامتی را در میدان جنگ به نمایش گذاشتند که نمونه است و بعضی دیگر هم خدمات فراوانی انجام داده‌اند. اشخاص خاصی و متخلف از روش صحیح در هر شغلی، نباید پایه‌ی قضاوت قرار گیرند. قضاوت باید بر مبنای کار کسانی که به سلامت و درستکاری مقتضای شغل وفادارند، انجام شود. پرستاران و مددکاران سازمان بهزیستی که با معلولان و سالخورده‌گان و عقب‌افتادگان و بیماران دشواری روبه‌رو هستند؛ نیز در حال مجاهدت و ابتلا و امتحان و تمرین تکامل انسانی هستند.

لحظه‌هایی که بر انسان می‌گذرد و در آن برای هدفهای بلند انسانی و الهی تلاش می‌شود، لحظه‌های مبارکی است. همه بدانند که آن لحظه‌ها و ساعتهای دشوار، تمرین تکامل انسانی است و از دست نمی‌رود. این لحظات، باعث ایجاد رشد و تواندهی و نزدیکی به خدای بزرگ می‌شود و برکت خیز است. این ارزش انسانی و فرهنگ پیشرفته‌ی جامعه است که محور کلام امروز من خواهد بود.

در همین‌جا، باید یاد شهدای گرانقدر و عزیز سرتاسر کشور و شهرها و بخشهایی را که شما برادران و خواهران از آن‌جا تشریف آورده‌اید، گرامی بداریم. این تلاشها و خدمات باارزش و حضور بی‌قیدوشرط شما در صحنه‌های نبرد و پشت جبهه و انقلاب بود که توانست انقلاب شکوهمند اسلامی را ریشه‌دار کند و مستحکم سازد و امروز علی‌رغم هم‌همی ظلمات تبلیغاتی و فضای غبارآلوده‌ی که اطراف این انقلاب به‌وجود آورده‌اند، تلالوی انقلاب اسلامی در دنیا چشمها را خیره کرده است.

مطلبی را که لازم می‌دانم مطرح کنم، این است که هم‌همی مردم کشور و مخصوصاً قشرهایی با فرهنگ و برخوردار از سواد و علم و معرفت بدانند که استقلال یک ملت جز با استقلال فرهنگی تأمین نمی‌شود. اگر یک ملت، از لحاظ سیاسی تحت تأثیر قدرتهای بزرگ نباشد و از لحاظ اقتصادی هم به خودکفایی کامل برسد، اما فرهنگ و اخلاق و



عقاید و باورهای دشمنان و بیگانگان در میان این ملت رواج داشته باشد و رشد بکند، این ملت نمی‌تواند ادعای استقلال کند.

در دنیا، سررشته‌ی فرهنگ دست عده‌ی است که آنها چگونگی لباس و پوشش و کیفیت زندگی و نشست و برخاست و اخلاق و معرفت را برای انسانهای بی‌گناه و بی‌خبر در سرتاسر عالم رقم می‌زنند و تعیین سرمشق می‌کنند. اگر ملتی بتواند خود را از سرایت موج مسموم فرهنگی ساخته و پرداخته‌ی بیگانگان حفظ کند، این ملت مستقل خواهد بود؛ اما اگر نتواند و تحت تأثیر غلبه‌ی فرهنگ بیگانه قرار بگیرد، این ملت، ملتی وابسته و اسیر است؛ ملتی است که تلاشهای استقلال‌طلبانه‌ی سیاسی و اقتصادی او نیز تحت تأثیر کسانی خواهد بود که سررشته‌ی فرهنگ را در دست و اختیار دارند.

امروز، صدها ایستگاه رادیو و صدها روزنامه و مجله در سرتاسر عالم، برای گسترش فرهنگ مطلوب قدرتمندان بزرگ و گسترش فرهنگ استکبار جهانی در سطح ملتها، روزانه و هفتگی منتشر می‌شود و اگر کسی با این فرهنگ مخالفت کرد، دشمنی آنها با او نسبت به کسی که تصمیمهای سیاسی آنان را نقض کند، به مراتب بیشتر است؛ چون می‌دانند که تأثیر فرهنگ، تأثیر عمیقتر و تعیین‌کننده‌تری است.

ممکن است شما سؤال کنید که چرا باید از فرهنگ غرب و اروپا و امریکا گریخت و چرا باید ذهن خود را به روی آن بست؟ این سؤال بجایی است که مردم بعد از انقلاب، تا حدودی پاسخ آن را دریافته‌اند؛ لیکن در این مورد جمله‌ی کوتاهی را مطرح می‌کنم:

فرهنگ غرب، فرهنگ برنامه‌ریزی برای فساد انسان است، فرهنگ دشمنی و بغض با ارزشها و درخشنده‌گیاها و فضیلت‌های انسانی است، فرهنگی است که همچون ابزار در اختیار خداوندان زور و زر و امپراتوران قدرت است. با این فرهنگ، درصدند نسل بنی‌آدم را از همه‌ی فضایل انسانی تهی‌دست کنند و انسانها را به موجودات فاسد و مطیع و تسلیم و غافل از یاد خدا و معنویت تبدیل کنند. منافع آنها، جز از طریق گسترش این فرهنگ تأمین نمی‌شود. این فرهنگ، برهنگی و اختلاط و امتزاج بی‌قید و شرط زن و مرد با هم است که یکی از پایه‌های اصلی فرهنگ غربی می‌باشد و از روز اول، برای فساد انسانها و خروج انسانیت از دایره‌ی فضایل انسانی بنیانگذاری شد. آنها که دلشان برای انسانیت سوخته است.

بزرگترین ایستگاه‌های تلویزیونی و رادیویی، از آن صاحبان بزرگترین کارخانه‌ها و معادن و منابع و عظیمترین ثروتهاست. تشکیلات صهیونیستی، برای فساد نسل بشر، از حدود صد و پنجاه سال پیش، شروع به برنامه‌ریزی و اشاعه‌ی فساد و فحشا کرده‌اند. آنها زنها را از عفت بشری خارج ساختند؛ به طوری که حتی زنهای اروپا و امریکا هم، به شدت پنجاه سال اخیر دچار فحشا و فساد و دوری از فضایل انسانی نبوده‌اند! زنان کشورهای اسلامی و دیگر کشورهای دور دست که جای خود دارد. همچنین مردها را به فساد و راحت‌طلبی و تنبلی و عشرت‌جویی و مصرف‌گرایی کشاندند و به قبول وضع زندگی حیوانی وا داشتند. برای این‌که از طرف مردها و زنهایی که در کشورهای مختلف عالم، زیر فشار استبداد و استعمار این قدرتها قرار می‌گیرند، تهدید نشوند، مغزها را فاسد کردند. امروز، وضع فساد اخلاقی مردم کشورهای استعمارزده‌ی دنیا در آفریقا و امریکای لاتین، در نهایت درجه است. آنها به خودی خود، این‌گونه فاسد نشدند؛ بلکه استعمار و استکبار برای افساد اینها برنامه‌ریزی کردند تا از شر و تعرض و مقابله به مثل و بیداری آنها جلوگیری کنند و امپراتوری قدرت شیطانی و اهریمنی دستگاه‌های استعماری و استکباری خود را حفظ نمایند.

با ملت ما هم قبل از سلطنت خاندان منفور پهلوی این کار را شروع کرده بودند؛ ولی در جریان سلطنت آن رژیم منحوس، این روند را شدت بخشیدند. استعمار و استکبار در دوران سلطنت این خانواده‌ی مزدور و دست‌نشانده، در اشاعه‌ی فرهنگ غربی در جامعه زیاد کوشیدند و متأسفانه موفق هم شدند. امروز، اگر تمایلات برخی خانواده‌های



ایرانی داخل کشور را به انجام آن آداب و اطوار و لباس و معاشرت می‌بینید، نتیجه‌ی تعلیمات همان معلمان رذل و خائن غربی است که در طول دهها سال در این کشور نفوذ و رشد یافته است. با این که انقلاب آمد و تحول عظیمی در فرهنگ و ذهنیت مردم به وجود آورد، با این حال، بسیاری از افرادی که هنوز دلشان در هوای کیفیت زندگی غربی است، متأسفانه از مفاسد زندگی غربی که لجن آلوده و فاسد است و در آن، هیچ یک از بنیانهای اصیل بشری - همچون خانواده و شخصیت انسانی زن و مرد - سالم نمی‌ماند، اطلاعی ندارند.

امروز، ببینید که در آمریکا و انگلیس، همجنس‌بازی رسمی و قانونی شده است و خجالت هم نمی‌کشند! کاری را انجام دادند که ما از نقل و حکایت آن شرم داریم و حیا می‌کنیم. مردم ما بدانند، آیا وقتی در کشوری ازدواج دو همجنس با هم قانونی می‌شود، بنیان خانواده در این جامعه باقی خواهد ماند؟! امروز، توده‌ی معمولی مردم آمریکا و اروپا - نه قدرتمندها و تبلیغاتچیهایشان - از سست بودن بنیان خانواده رنج می‌برند. زنها و مردها، در یک حد از متلاشی شدن خانواده‌ها رنج می‌برند و ناراحتند و این، روزبه‌روز تشدید می‌شود و البته آخرین ضربه است. خانواده، محل آسایش انسان است. هیچ انسانی، بدون داشتن یک خانواده‌ی آسوده و آرام و راحت، مزه‌ی زندگی و طعم واقعی حیات انسانی را نخواهد چشید. اینها، این بنیان اصیل را متلاشی و منهدم می‌کنند و از بین می‌برند. این، فرهنگ غربی است. نتیجه‌ی این آزادی و بی‌بندوباری و فرهنگ برهنگی و اختلاط زن و مرد، همین مسایل است.

آنان، ما را متهم به جلوگیری از رشد علمی و فرهنگی زنان می‌کنند!! خودشان هم می‌دانند این اتهام دروغ است؛ ولی تکرار می‌کنند. ما برای زن، ارزش واقعی انسانی قایلیم. ما میان زن و مرد تفاوتی قایل نیستیم. معتقدیم زن و مرد هر دو انسانند و میدان تکامل، پیش رویشان باز است. هر چه تلاش کنند، هر چه زحمت بکشند و هر چه به سمت خدا پیش روند، به همان اندازه رشد و تکامل پیدا خواهند کرد. راه علم و حضور سیاسی هم، جلوی هر دوی آنها باز است.

ما در جنگ و انقلاب مشاهده کردیم که نقش خانمها اگر از مردها بیشتر نبود، کمتر نبود. اگر زنها حماسه‌ی جنگ را نمی‌سرودند و جنگ را در میان خانه‌ها به‌عنوان یک ارزش تلقی نمی‌کردند، مردها اراده و انگیزه‌ی رفتن به میدان جنگ را پیدا نمی‌کردند. دهها عامل دست به دست هم می‌دهد تا خیل عظیم بسیجی را به سمت جبهه روانه می‌کند. یکی از مهمترین این عاملها، روحیه‌ی مادرها و همسرها و زنهاست.

من، شاید بتوانم ادعا کنم که در ملاقات با خانواده‌های معظم شهدا، روحیه‌ی مادری را شکسته ندیده‌ام. گرچه همه یکی نیستند، برخی قویتر و برخی ضعیفترند، بعضی مطلب را به آن روشنی درک نکرده‌اند و برخی آن را در اوج وضوح حقیقت دریافته‌اند، ولی در بیشتر خانواده‌ها، روحیه‌ی زن را از مرد بهتر یافتیم. این، وضع زن در جامعه‌ی ماست؛ اما غربیها نه فقط زن، بلکه هر دو جنس را به لجنزار فساد سوق می‌دهند.

مردم ما باید چشم و گوش خود را باز کنند. برگشت به سمت فرهنگ فاسد و منحط غربی، در جامعه‌ی انقلابی و اسلامی ما محال و ممنوع است. ملت و مسؤولان انقلاب ما، ممکن نیست اجازه دهند تا مجدداً رفتار و زندگی مردم به سمتی رود که فرهنگ فاسد غرب تزریق کرده‌بود و آن را بزور به این ملت تحمیل نموده‌بود.

کسانی که تاریخچه‌ی ورود بی‌حجابی و عربیانی زنان در جامعه‌ی ما را که به‌وسیله‌ی خاندان شوم پهلوی انجام گرفت، خوانده‌اند و یا کسانی که سنشان اقتضا می‌کند و آن‌روزها را دیده‌اند، می‌دانند که چگونه بی‌حجابی و بی‌حدومرزی و اختلاط زن و مرد را به داخل کشور وارد کردند و آن را به ملت تحمیل نمودند. ملت ما به آسانی این پدیده را نپذیرفت؛ ولی متأسفانه به‌دلیل گذشت دو سه نسل در زیر سایه‌ی سنگین و شوم خاندان پهلوی تا پیروزی انقلاب اسلامی، عده‌ی با این فرهنگ به‌دنیا آمدند و قبح آن را نفهمیدند و سلامت و صفای محیط ناب اسلامی را در نیافتند. دستگاههای تبلیغاتی ما هم، توان شناسایی عیوب فرهنگ غربی را به آنان نداشتند.



این جا، وظیفه‌ی صدا و سیما در تفهیم درخشنده‌گی‌های فرهنگ اسلامی در همه‌ی زمینه‌ها، بخصوص در زمینه‌ی روابط زن و مرد و شأن زن در اجتماع آشکار می‌شود. صدا و سیما، مسؤولیت زیادی دارد. رادیو و تلویزیون، یک دستگاه سرگرم‌کننده نیست؛ یک دستگاه آموزنده است. امروز، دنیا با فکر و تدبیر از رادیو و تلویزیون برای آموزش - در همه‌ی شکل‌های آن - استفاده می‌کند. همین صهیونیستها، با پول‌های گزاف و با میلیاردها دلار در سال، از طریق رادیو و تلویزیون به آموزش فساد می‌پردازند. رادیو تلویزیون در کشورهای وابسته که حکام فاسد استعماری در رأس آنها قرار دارند، در حال آموزش غفلت و بی‌خیالی و شهوترانی و عیاشی و میگساری به مردم است. اگر اینها را به مردمشان آموزش ندهند و مردم با همان فرهنگ بومی و اسلامی و دینی خود - هر دینی - رشد کنند، قدرتها و استعمارگران و حکام مستبد، به آسانی نمی‌توانند بر آنها حکومت بکنند. شما اگر برنامه‌ی هر یک از رادیوهای بیگانه را برای مخاطبان بومیشان بشنوید، چیزی جز فساد و غفلت و ناهوشیاری و بی‌توجهی به امور زندگی و جامعه نیست. البته در کنار آن، گاه دو کلمه از یک مقوله‌ی علمی هم یاد می‌دهند؛ ولی اصل قضیه این نیست. وظیفه‌ی یک رسانه، آموزش و تحلیل و سوق دادن قلب و ذهن و روح و مغز افراد به سمتی است که گردانندگان آن رسانه در نظر دارند. در کشور ما نیز غیر از این نیست. صدا و سیما در جمهوری اسلامی، باید وسیله‌ی برای سوق دادن مردم به فرهنگ اسلامی و ایزاری برای معرفت و آشنایی مردم با درخشنده‌گی‌های اسلامی و انسانی باشد. جز این، وظیفه‌ی ندارد و اگر مواردی بود که برخلاف این هدف وارد صدا و سیما شد، نباید پخش کنند. هنرمندان و نویسندگان و گویندگان و مجریان و کارگردانان و هنرپیشگان و همه و همه، باید دست به دست هم بدهند تا این مفاهیم اسلامی ارزشمند و درخشنده را در صورت برنامه‌های هنری بسازند تا مردم از آنها تعلیم بگیرند. مراد ما از تعلیم در صدا و سیما، سخنرانی و میزگرد و تدریس صرف نیست. صدا و سیما باید انواع و اقسام روش‌های هنری را در برنامه‌های هنری و فیلمها و نمایشها برای تفهیم و توضیح مفاهیم و ارزش‌های اسلامی به کار گیرد و اگر غیر از این باشد، صدا و سیما جمهوری اسلامی، صدا و سیما اسلامی نیست.

شما خواهران و برادرانی که بحمدالله از معرفت و دانش برخوردارید و درس خوانده‌اید و دوره‌های علمی را دیده‌اید و کار کرده‌اید و با کتابها و احیانا با معارف بیگانگان آشنا هستید، مسؤولیت سنگینتری دارید.

نظام اسلامی، نظامی است که قصد اجرایی تمام احکام و موازین اسلامی را به صورت کامل دارد. این نظام، مایه‌ی سعادت انسان و سربلندی ملت و کشور و مایه‌ی آبادی روی زمین و کشور و منطقه‌ی زیست و مایه‌ی شادی محیط زندگی و نیز استحکام خانواده و اصلاح روابط اجتماعی میان مردم و خلاصه مایه‌ی خوشبختی زندگی مادی و معنوی انسانهاست.

شما موظف هستید با این برنامه‌ها آشنا شوید و باید در حدی که برایتان میسر است، در پیاده کردن این برنامه‌ها مؤثر باشید. در درجه‌ی اول، مسؤولیت متوجه افراد عالم و آگاه و دانا و علمای دین است و سپس همه‌ی کسانی که آگاهی و معرفتی دارند و می‌توانند مردم را آگاه و روشن کنند. رفتار شما بیش از گفتارتان بایستی مردم را در این خط صحیح پیش ببرد و این همان شعار جمهوری اسلامی و حاکمیت اسلام و پیاده شدن آن است که امام بزرگوارمان در بیانات متعدد و از اول پیروزی انقلاب تا آخرین روزهای زندگی پربرکتش، به ما می‌فرمود.

امیدواریم که خداوند متعال توفیق و فضل خود را شامل حال همه‌ی شما برادران و خواهران کند و به همه‌ی ما این توان را ببخشد که ان شاءالله در راه تحقق احکام اسلامی تلاش کنیم تا بزودی ملت و جامعه‌ی ما، پیاده شدن کامل اسلام را در جامعه‌ی خود مشاهده کنند.

والسلام علیکم و رحمه‌الله و برکاته